[آسان داک](http://www.asandoc.com/) (www.Asandoc.com)

**جهانی شدن اسلام و غرب در مقام مقایسه ی یکجور سازی و تسلط گرایی**

**علی ا.مزروعی**

اجازه دهید با رقابت یک تعریف شروع کنیم.جهانی شدن چیست؟این تعریف شامل فرایندهایی است که به سمت وابستگی جهانی و افزایش سریع تبادل در گستره مسافتها سوق می دهد.کلمه جهانی شدن به تنهایی کاملا جدید است،اما فرایندهای حقیقی به سمت وابستگی جهانی و تبادل قرنها پیش آغاز شد.

چهار نیرو که اکثریت تدبیر جهانی شدن را در طی زمان داشتند شامل:مذهب،تکنولوژی،اقتصاد و فرمانروایی هستند.این فاکتورها لزوما جداگانه وارد عمل نشده اند،اما اغلب هرکدام تقویت شده اند.برای مثال جهانی شدن مسیحیت با تغییر فرمانروایی کنستانتین I روم در سال313 آغاز شد.تغییر مذهب فرمانروایی فرایندی را آغاز کرد که تحت مسیحیت نه تنها مذهب برجسته اروپا شد بلکه بسیاری از جوامع دیگر با هزاران مایل مسافت از مرکز آن مذهب تاسیس شدند.جهانی شدن اسلام با تغییر فرمانروایی از پیش مهیا شده آغاز نشد،اما تقریبا یک فرمانروایی را از ابتدا ایجاد کردند.اموی ها و خلفای عباسی فرمانروایی های کوچک مردم دیگر را درکنار هم قرار دادند(برای مثال،مصر روم شرقی سابق و زرتشتیان پارسی سابق) و تمامیت یک تمدن جدید را ایجاد کردند.

سفرهای کاشفان اکثریت مرحله دیگر در فرایند جهانی شدن بود.واسکو دا گاما و کریستف کلمب فصل جدیدی را در تاریخ جهانی شدن گشودند.اقتصاد و فرمانروایی اکثریت محرکها بودند.اینگونه دنبال شده که مهاجرت مردم بوسیله گیاه شناسی نشان پردازی شده است.مهاجرت پاک دینان انگلیسی(تعریف مترجم:پاک دینان انگلیسی که در سال 1620 میلادی به آمریکا مهاجرت کردند) در بخشی از واکنش به مذاهب و ضرورتهای اقتصادی بودند.جهانی شدن مرتبط با آمارگیری افراد رتبه اش را در آمریکا با نفوذ میلیون ها تن از مردم در کرات دیگر بدست آورد.در زمان مقتضی،جمعیت ایالات متحده آمریکا یک جهان کوچک از جمعیت دنیا شد،که تقریبا مهاجران از هر جامعه ای در دنیا را شامل می شد.

انقلاب صنعتی در اروپا یک اکثریت دیگری از فصل تاریخ جهانی شدن را ارائه می کند.این یگانگی بین تکنولوژی و اقتصاد در سطوح قبلی ناشناخته سودمندی نتیجه داده است.موفقیت اروپا اشتیاقشان را برای

تسخیر دنیای

علی ا.مزروعی رئیس موسسه مطالعات فرهنگی جهانی و پروفسور آلبرت شویتزر در زمینه علوم انسانی دانشگاه بینگامتون نیویورک آمریکا؛پروفسور بزرگ آلبرت لوتولی در دانشگاه جاس نیجریه؛پروفسور بزرگ ایبن خالدون در مکتب اسلامی و علوم اجتماعی لزبرگ ویرجینیا آمریکا؛پروفسور بزرگ بازنشسته اندرو دی وایت و محقق ارشد مطالعات آفریقایی در دانشگاه کورنل ایتاکا نیویورک آمریکا؛و پروفسور والتر رودنی دانشگاه گویانا در شهر جرج.این مقاله بر اساس ارائه کنفرانس "نمونه های اسلامی مذاهب بین المللی" است که توسط مکتب اسلامی و علوم اجتماعی و مرکز تحقیقات و مطالعات سیاسی در 2دسامبر 1997 در کیرو مصر حمایت شدند.

جدید برانگیخت.تجارت برده آتلانتیک با حرکت میلیونها تن از آفریقایی ها از یک بخش جهان به بخش دیگر شتاب گرفته بود.همچنین اشتیاق اروپا مقیاس جهانی را به طرز با شکوهی امتداد داد،و اروپایی ها در بریتانیا بزرگترین و فرمانروایی را در تجربه بشر ایجاد کردند،که که بیشترشان تا پایان جنگ جهانی دوم ادامه داشتند.

دو جنگ جهانی خودشان ظهور جهانی شدن بودند.قرن بیستم تنها قرن برای گواهی جنگاوری جهانی یافته طی 18-1914 و دوباره طی 45-1939 است.جنگ سرد(89-1948) همچنان ظهور دیگری از جهانی شدن بود،برای این مورد یک رقابت قدرت جهانی بین دو اتحاد بود:سازمان معاهده آتلانتیک شمالی[[1]](#footnote-2) و معاهده دولت لهستان.در حالی که جنگهای دو جهان از لحاظ نظامی بیشترین خرابی را به بار آورد،از نظر تجربی جنگ سرد به صورت بالقوه بیشترین ویرانی را داشت،برای این اتفاق بذر نابودی سیاره ای را از طریق جنگ هسته ای پاشیدند.

مرحله پایانی جهانی شدن از نظر تاریخی هنگامی وارد شد که انقلاب صنعتی با انقلاب اطلاعاتی جدید همراه شده بود.وابستگی و تبادل به طور چشمگیری وابسته به کامپیوتر بود.قوی ترین کشور در این زمان ایالات متحده آمریکا بود.صلح آمریکا 3مورد از 4مورد نقشه های جهانی شدن را شامل:تکنولوژی،اقتصاد و فرمانروایی را تجهیز کرد.اگرچه در نیمه دوم قرن بیستم این صلح آمریکا برای ترویج یک مذهب ویژه جستجو نشد،به ترویج سکولاریسم و ایدئولوژی جدایی کلیسا و ملت کمک کرد.در حالت تعادل،اثر به صورت آمریکایی درآوردن احتمالا برای ارزش های مذاهب در سراسر جهان مضر است،خواه وابسته باشد یا خیر.جوانان هندو آمریکایی مآب،نوجوانان بودایی آمریکایی مآب،یا جوان ترهای مسلمان آمریکایی مآب برای پیروان مذهبی دینشان نسبت به همتاهای غیرآمریکایی شان به مراتب کمتر محتمل هستند.

**در مقام مقایسه یکجور سازی و تسلط گرایی**

این مورد دو مفهوم از یکجور سازی و تسلط گرایی را برای ما بوجود می آورد.یکی از نتایج جهانی شدن این است که ما آغازی برای شباهت هرکدام به درجه بزرگتر نسبت به آنچه که تاکنون در گذشته انجام می دادیم،بدون توجه به مسافت فیزیکی هستیم.یکجور سازی افزایش شباهت با این منظور است که تمرکز مهمل نمای قدرت در یک کشور منحصر به فرد یا تمدن است.در حالی که یکجور سازی فرایند گسترش هم جنسی است،تسلط گرایی ضرورت و تحکیم مرکز مسلط است.همراه با جهانی شدن،رخدادهایی در افزایش شباهت بین جوامع متفاوت وجود داشت.اگرچه،این روند باتقسیم بی تناسب قدرت جهانی بین تعدادی از کشورها همراه بود.

با نزدیک شدن قرن بیستم ،پوشش مردم نسبت به آنچه که در پایان قرن نوزدهم استفاده می کردند به سراسر دنیا بسیار مشابه تر شد(یکجور سازی).اما برنامه پوشش با پوشش سراسری آنچه که در غرب بود(تسلط گرایی) جهانی شد.براستی،لباس یک مرد(غربی) تقریبا در سرار جهان جامعیت بخشیده شد،و انقلاب پارچه فاستونی نخی فرهنگ پوشش نیمی از جوانان دنیا را تسخیر کرد.

در پایان قرن بیستم،بشریت به داشتن زبانهای دنیا نسبت به قرن نوزدهم نزدیکتر شد،اگر با آن زبانی که مد نظر ماست به معنی زبان گفتاری توسط حداقل 300میلیون مردم،برخوردار شدن زبان ملی در حداقل 10 کشور،عملکرد یک زبان اکثریت در حداقل 2 کشور،و استفاده در 4 کشور برای اهداف ویژه(یکجور سازی) باشد.اگرچه،هنگامی که ما چنین زبانهای جهانی شده را بررسی می کنیم،آنها به طور نامتجانس به نام های اروپایی،انگلیسی،فرانسوی و با وسعت کمتر به نام اسپانیایی(تسلط گرایی) هستند.عربی ها از یک ادعای قوی به عنون زبان جهانی دفاع می کنند،اما این ادعا تاحدی بر اساس جهانی شدن اسلام و نقش عربها به عنوان مذهب اسلام و زبان آیین اسلام است.

در پایان قرن بیستم،ما به اقتصاد جهانی نسبت به گذشته نزدیکتر شدیم.یک عطسه در هنگ کنگ،و قطعا یک سرفه در توکیو می تواند موج هیجان را به سراسر جهان بفرستد(یکجور سازی).و هنوز قدرتهایی که این اقتصاد جهان را کنترل می کنند به طور نامتجانس در غرب هستند؛ایالات متحده آمریکا،ژاپن،آلمان،بریتانیا،فرانسه،کانادا،و ایتالیا در نظم نیروی اقتصادی(تسلط گرایی) هستند.

در پایان قرن بیستم،اینترنت دسترسی ثابت به اطلاعات و ارتباط مشترک در طول مسافتهای پهناور (یکجور سازی) را در اختیارمان قرار داد.اگرچه،مرکز قدرتش مکانی در آمریکا باقی ماند و اتصالات باقی مانده ای برای دولت آمریکا داشت(تسلط گرایی).

سیستم های تحصیلی در پایان قرن بیستم در سراسر دنیا بسیار مشابه شدند:واحدها و نیم سالهای دوره قابل قیاس،افزایش شباهت های حرفه ای،و محتوی مرحله مشابه(یکجور سازی).اما نقش طرح ها پشت این همگرایی علمی چشم گیر موسسات تحصیلی اروپا و آمریکا بودند،که هم نمونه سازان و هم مقلدان را جذب کردند(تسلط گرایی).

در پایان قرن بیستم اکثریت سیستم های ایدئولوژی به عنوان ظهور پیروزی اقتصاد بازار همگرایی یافتند.لیبرال سازی به طور گسترده ،به صورت بی اختیار یا به اجبار را شامل شده بود.انور سادات در مصر دروازه های ملی اش را از طریق سیاست اینفیتاح (Infitah) خویش گشود،و حتی چین یک نوع مارکس گرایی بازار را اتخاذ کرد. هند در خطر پیمودن مسافت از ماهاتما گاندی به ماهاتما کینس (یکجور سازی) است.اگرچه،مردمی که هماهنگ هستند و گاهی اوقات اجرای بازاریابی،لیبرال سازی،خصوصی سازی رهبران اقتصاد غرب هستند که توسط قدرت بانک جهانی،صندوق بین المللی پول[[2]](#footnote-3)،اتحادیه ایالات متحده آمریکا و اروپا[[3]](#footnote-4) تقویت شده اند.به راستی اروپا مادر تمام ایدئولوژی های مدرن،خواه خوب یا بد است:لیبرالیسم،رژیم سرمایه داری،جامعه گرایی،مارکس گرایی،اصول عقاید فاشیستی،اصول نازی،و دیگران.در پایان قرن حاضر بیشترین ایدئولوژی پیروزی رژیم سرمایه داری لیبرال اروپا (تساط گرایی) است.

**مصر در تاریخچه جهانی شدن**

آیا مصر برای حماسه جهانی شدن،یکجور سازی و تسلط گرایی شایسته است؟ما پیش از این اشاره کردیم که 4قدرت جهانی شدن در تاریخ مذهب،تکنولوژی،اقتصاد و فرمانروایی است.اجازه دهید ابتدا درباره قدرت مذهب صحبت کنیم.فاراو آخناتون در سطح وسیع به عنوان پدر یکتاپرستیمورد توجه قرار گرفت،و این یکتاپرستی بود که بعدها بیشترین جهانی شدن اصول تمام مذاهب شد.آیا فاراو آخناتون یک رسول(فرستاده)یا یک نبی(پیامبر) یا چیز دیگری بود؟قرآن به ما می گوید که خدا یک رسول را برای هر ملتی(قرآن10:47،16:36) فرستاد.آیا آخناتون رسولی برای مصر باستان بود؟به علاوه،حضرت موسی در مصر بدنیا آمده بود.بنابراین در آن وضعیت،مصر مهد یهودیت است،حتی اگر یک نفر فرض اینکه حضرت موسی خودش مصری بود را نپذیرد(یک فرض در قرن بیستم بوسیله فرضیه سیگموند فرود درباره شناخت یهودی شهرت یافت). یهودیت یک سنت دیگر وابسته به توحید متولد شده در مصر شد.

اگر مصر کشوری بود که بعدها حضرت موسی از آن گریخته بود،متعاقبا کشوری شد که حضرت عیسی در زمان نوزادی پناهگاهی را درمقابل دسیسه مهلک پادشاه هرود یافت.

...فرشته خداوند برای حضرت موسی(همسر حضرت مریم)ظاهر شد و گفت،"برخیز،

بچه و مادرش را به مصر ببر،و تا زمانی که به تو بگویم آنجا بمان.هرود قصد دارد

به نیت کشتن کودک به دنبالش بگردد".(متی،23-2:13).

منطق اصولی داستان این است که بدون پناهگاهی در مصر،هیچ مسیحیتی وجود نداشت،به این جهت که حضرت عیسی در زمان نوزادی در گهواره به صلیب آویخته می شد.بنابراین آیا مصر ناجی مسیحیت است؟اگر مصر از نظر تاریخی زادگاه وابسته به توحید حضرت موسی است،و اگر همچنین مصر پناهگاه برای نوزادی حضرت عیسی است،از نظر تاریخی سرنوشت مصر برای اسلام چیست؟

مصر نشان می دهد که اولین برخورد بسیار عالی و باشکوه بین قدرت مسیحیت و قدرت مسلمانان،به این دلیل بود که اولین قلمرو لشگرهای مسلمانان عرب برای اعزام از فرمانروایی وابسته به روم شرقی قادر بودند.برخی اینگونه بحث و گفتگو می کنند که این اولین صدمه واقع شده به جنبش یک فرایند است که سقوط قسطنطنیه برای لشگرهای مسلمانان در چندین قرن بعد به اوج رسید.پیروزی قسطنطنیه(استانبول جدید)در سال 1453 توسط ترکها امپراطوری عثمانی را برپاکرد.همچنین پیروزی عربهای مصر شکوفایی تمدن اسلامی در خاک مصر را برپا کرد،که یکی از آنها موسسات دانشگاه الظهیراست،این دانشگاه مرکز یادگیری است که هزاران سال دوام یافت.آیا ما می توانیم الظیر را به عنوان اولین دانشگاه جهانی توصیف کنیم،که همیشه دانشجویان مسلمان سراسر جهان را جذب نکرده است؟

ما اخیرا به تکنولوژی به عنوان قدرت دیگر جهانی شدن طی زمان اشاره کردیم.آیا مصریان باستان اولین استفاده کننده تکنولوژی برای ماندگاری ابدی عمارت باشکوه بودند؟مدتها پیش عمارت آسوان دام توسط مهندسان شوروی در دهه 1950 ساخته شد،عمارت اهرام بزرگ در ارتباط زندگی با مرگ وجود داشت.مصر باستان تقریبا میان اولیت تمدن باشکوه بود تکنولوژی و فرمانروایی در انتظارات دنیای جدید برای تسخیر پیوند داده شد.نوع متفاوتی از عمارت در مصر به دوران ما نزدیکتر است:ساختمان کانال سوئز تحت رهبری مهندس فرانسوی فردیناند د لسپس بود.صدها کارگر مصری در حالی که این کانال را می ساختند جان دادند،به موجب آن این مورد باعث شد نه تنها یک محصول مهارت و سرمایه غرب نباشد،بلکه محصولی از خلق و خو و خون مصریان باشد.کانال حداکثر همکاری برای جهانی شدن بود،از این رو به ارتباط اروپا،آفریقا و آسیا در مسیرهای جدید یاری رساند.اما کانال همچنین بنای یادبودی برای تکنولوژی و اقتصاد به عنوان قدرت جهانی شدن است.

رئیس جمهور مصر،گامال عبدل ناصر(70-1953) در نیمه دوم قرن بیستم مصر را به عنوان مرکز سه حوزه:عرب،اسلامی و آفرقایی(یک هرم فرهنگها)از نظر گذراند.مصر پلی بین سه قاره آفریقا،آسیا و اروپا(یک هرم قاره ها) شد.در یک مسیر مصر چهار سنت وابسته به توحید متفاوت(آخناتون،یهودیت،مسیحیت،و اسلام) را پرورانده بود.اگرچه،مصر در زمینه جهانی شدن در فصول اخیر تاریخ اش پیروز بود،اولین فرایندهای بزرگ جهانی شدن برای یک مرتبه بود.اینطور نیست؟و هنگامی که تمام موارد گفته و انجام شد،فاصله اسلام بین قدرتهای یکجور سازی و تسلط گرایی چه میزان است؟

**جهانی شدن و دارالحرب[[4]](#footnote-5)**

به دنبال پایان جنگ جهانی دوم یک اتفاق عجیب رخ داد.غرب به طور کاملا ناخودآگاه دیدگاه اسلامی جهان را پذیرفت:تقسیم سه گانه جهان توسط حقوق دانان اسلامی دیرینه به درالاسلام[[5]](#footnote-6)(اشاره به اسلام)،دارالحرب(اشاره به جنگ)،و درالصلح[[6]](#footnote-7) (اشاره به وجود مشترک صلح آمیز یا صلح معاهده ای) است.این مورد آخر فرمانروایی غیرعادی اسلام بود.[[7]](#footnote-8)

در درالاسلام حسن تفاهم و همکاری اصول اسلامی برای تسلط فرض شده بود و صلح اسلامی برای پیروزی فرض شد.درالاسلام مسلمانان به علاوه اجتماعات حفاظت شده غیر مسلمانان(اهل کتاب[[8]](#footnote-9) و اهل ذمه [غیرمسلمانان تحت حفاظت اسلامی]) را شامل شد،کسانی که از حفاظت کشور علیه ناامنی داخلی و تجاوز خارجی برخوردار بودند[[9]](#footnote-10).

دارالحرب لزوما یک ارتش مواجهه مستقیم نبود.بارها این طبقه بندی سرزمین ها غیرمسلمانانی را که اغلب دشمن اسلام بودند شامل می شد،ایجاد نوعی از موقعیت که توماس هابس بیشتر موارد اخیر را به عنوان شرایط فاقد پادشاهی تسهیم شده توصیف می کند[[10]](#footnote-11).حقوقدانان مسلمان محتوی دارالحرب،یک وضعیت جنگ را به منظور شناخت قدرتهای کشورهایی که موافق حکومت خداوند نبودند،توسعه دادند.

شناخت اسلام از پادشاهی غیراسلامی صرفا به این معنی است

که برخی اشکال قدرت بوسیله ماهیت لازم برای زنده ماندن بشر

بود،حتی هنگامی که مردان در قلمروها در حالت طبیعی،بیرون

حصار فرمان عمومی اسلامی زندگی می کردند.[[11]](#footnote-12)

کشورهای درالصلح(که همچنین به نام درالعهد[[12]](#footnote-13) شناخته شده اند) کشورهای غیرمسلمان که اداره امپراطوری جدید به همراه فرمانروایان مسلمان داشتند:آنها از استقلال داخلی بیشتری و صلح در تبادل برای تکریم یا مالیات جمعی به خزانه داری مسلمانان پرداخت شد،برخوردار بودند.درالصلح به عنوان طبقه بندی مجزا توسط حقوقدانان مسلمان شناخته نشده بود.،برای برخی که احساس کردند"اگر ساکنان قلمرو صلح معاهده را نتیجه گرفته باشند و به تکریم پرداخته باشند،این بخشی از درالاسلام و مردمش برای حفاظت از اسلام می شود."[[13]](#footnote-14)

غرب پس از جنگ جهانی دوم دیدگاه سه جانبه سنتی جهان اسلام را اختصاص داد و به سادگی خودش را جایگزین اسلام کرد.برای بیشتر جنگهای سرد،جهان طبقه بندی زیر را دربر داشت:

1. درالغرب[[14]](#footnote-15) یا درالمغرب(اشاره به غرب) به جای درالاسلام؛
2. دارالحرب (اشاره به جنگ،خصوصا دنیای کمونیست)؛
3. درالصلح یا درالعهد(اشاره به موجودیت مشترک صلح آمیز جهان سوم).جهان سوم به تکریم غرب در قالب سنگینی بدهی و اشکال دیگر استثمار اقتصادی در نسخه مدرن تکریم توسط درالصلح برای فرمانروایان مسلمان قرون وسطی پرداخت.

اما اکثریت قید و بندها برای تاکیید نیاز بود.اگرچه عقاید اشاره به جنگ غربی در نظریه دنیای کمونیست بود،در تکرار جنگهای حقیقی نیمه دوم قرن بیستم تقریبا در تمام جهان سوم،شامل سرزمین های اسلام جنگیدند[[15]](#footnote-16).حداقل 500هزار مسلمان لیبی،لبنانی،فلسطینی،و عراقی از سال 1980 بوسیله تسلیحات ستیزه طلب جهان غربی کشته شدند.

در جنگ خلیج فارس(توضیح مترجم: جنگ ماه ژانویه و فوریه سال 1991 که یک ائتلاف بین المللی از نیروهای تحت نظارت سازمان ملل متحد را مجبور به عقب نشینی نیروهای عراقی صدام حسین از کویت کرد، که به آنها حمله کرد و در ماه آگست 1990 اشغال کرد) سال1991 ،غرب پرچم سازمان ملل متحد را برای دادن استیناف و حقانیت جهانی به ارتشش استفاده می کرد[[16]](#footnote-17).تلفات انسانی در عراق،به دلیل تداوم محرومیت ایجاد شده توسط فرمانهای اقتصادی بریتانیایی-آمریکایی که حقانیت جهانی بوسیله انجمن امنیت سازمان ملل متحد ارائه شده بود همچنان در حال افزایش است[[17]](#footnote-18).میزان مرگ و میر کودکان عراقی از پایان جنگ سه برابر شد،و مرگهای بیماری قابل جلوگیری میان مردم عادی عراق تشدید شد[[18]](#footnote-19).با این حال با وجود جغرافیای کشورش و تضعیف نظامی،صدام حسین کشور را طوری حفظ نمود که استوار به نظر برسد[[19]](#footnote-20).

دلیل ظاهری برای تضمین مصوبات این است که عراق سلاح های کشتار جمعی اش را دوباره نساخت.و هنوز هرکدام از اعضای ثابت انجمن امنیت سلاح های کشتار جمعی خودشان را دارند.برخلاف فرانسه،عراق شدت عمل لازم برای آزمایش هزاران سلاح هسته ای در فاصله ای مایل ها دور از هسته جمعیتشان را نیافت،بدین وسیله جمعیت دیگر سرزمینها را به مخاطره انداخت.اعتراضات مخالف چنین آزمایشاتی توسط ملتهای صلح جو که از نظر نظامی ضعیف هستند تظاهرات خیابانی،دیپلماسی کم ارزش کردن روابط،و تحریم چنین کالاهای فرانسوی مانند مشروب را شامل می شد[[20]](#footnote-21).همچنین عراق یک شریک که عضو ثابت انجمن امنیت است را نداشت،به چه کسی می توان گفت"اگر به سوابق هسته ای من آسیب برسانی من هم به سوابق هسته ای تو آسیب خواهم رساند".

**سازمان ملل متحد و قیام فرهنگی بر ضد انقلاب**

سازمان ملل متحد به طور فرضی به عنوان یک موسسه جهانی،کشورها و مناطق را نشان می دهد،اما برای ارائه تمدن تلاشی نمی کند.6مورد از 7مورد گذشته اجلاس کل سازمان ملل متحد از سنن ملی مسیحیت گرفته شده است[[21]](#footnote-22)،هنوز جهان مسیحیت تنها یک پنجم جمعیت جهان را شامل می شود.هیچ هندو،مسلمان،یا اجلاس کل مکتب کنفوسیوس وجود نداشت،با این وجود حقیقت این است که این جمعیتها ،افزون بر تعداد مسیحیان با نسبت بیش از سه به یک ترکیب شدند.یک اجلاس کل بودایی،یو تانت،وجود داشت.یک بودایی و چهار مسیحی بودند اگرچه احتمالا به میزان تعداد بسیاری از بودایی ها مسیحیانی در جهان هستند[[22]](#footnote-23).این میزان یک پرسش را بوجود می آورد:آیا سیستم سازمان ملل متحد برای ارائه متناسب فرهنگها دقیق تر است؟[[23]](#footnote-24)

سازمان ملل متحد در ابتدا بوسیله پیروزان جنگ جهانی دوم تمام آنهایی را که به یک تمدن یا نیمی از یک تمدن وابسته بودند،شکل گرفت.بریتانیا،آمریکا،فرانسه،و بخش اروپایی اتحادیه جماهیر شوروی همگی به تمدن غربی وابسته بودند،در حالی که بخش آسیایی اتحادیه جماهیر شوروی نیمه دیگر را فراهم کرد.پس از اینکه آنها خودشان را به عنوان اعضای ثابت انجمن امنیت پرقدرت سازمان ملل متحد گماردند،یک امتیاز انحصاری برای تمدنی دیگر را بوجود آوردند:آنها به ساکنان کمونیستی چین اجازه دادند که یک عضو ثابت باشد.از 5زبان اصلی سازمان ملل متحد،4زبان اروپایی بودند:انگلیسی،فرانسوی،اسپانیایی و روسی.دوبازه یک امتیاز انحصاری برای چین با شناخت زبانش ایجاد شد.عربها اخیرا شناخت برخی از اهداف را بدست آوردند.

یک نوع مجلس شورا و سنا قوه مقننه شروع به پدیدار شدن کرد:یک مجلس سنا که بیشتر قدرتمند بود اما پیکره نماینده شناخته شده کمتری به عنوان انجمن امنیت داشت؛و مجلس شورا که قدرتمندی کمتری داشت اما پیکره نمایندگان شناخته شده بیشتری به عنوان مجمع عمومی داشت.محتوی این مجلس شورا و سنا توسط تمرین و ممارست بیش از طراحی توسعه یافت و سرچشمه به شدت غربی بود.مجلس سنا"مجلس اعیان"جهانی-جنگ سالاران بود.این تصور اساسا در غرب ریشه دارد.

یک دستورالعمل حداکثری سازمان ملل برای کمک به حفظ صلح طبق اصول قانون بین المللی بود.قانون ملتها خودش زاده ی تاریخ دیپلماسی و سیاستمداری اروپایی بود.این مورد یکبار برای قانون ملتهای مسیحی به کار برده شد،که به تدریج قانون ملتهای متمدن و سپس قانون ملتهای توسعه یافته شد[[24]](#footnote-25).آن قانون بین المللی قدیمی برای استعمار قانونی غربی کشورهای دیگر استفاده شد.تفکر سیاسی غربی اجداد روشن فکر توسط اروپامحوری خودرای علامت گذاری شد.جان میل "شایستگی اجانب و جوامع قانون ملتها" را از یکدیگر متمایز کرد[[25]](#footnote-26).چیزی بود که تصویب استعمار را بوسیله جامعه شناسان اخیر مخوف تر می کرد:کارل مارکس استعمار بریتانیا از هند[[26]](#footnote-27)،و انگلز استعمار فرانسه از الجزایر[[27]](#footnote-28) را تحسین کردند.تمام اینها "ضوابط تمدن" بودند که توسط تقریبا کل دنیای سفیدپوستان پذیرفته شد.

و سپس سازمان ملل نه تنها پذیرفتن کشورهای بیشتر بلکه پذیرش فرهنگهای بیشتر مانند پاکستان در سال1947،میانمار[برمه] و سریلانکا[سیلان] در سال 1948 و بعدها مالزی و سنگاپور را آغاز کرد.جدیدا برخی کشورهای عربی مستقل مانند مراکش،تونس،سودان،الجزایر(مصر قبلا عضو بود)،و اخیرا کشورهای آفریقایی سیاه پوست مستقل،شروعی به همراه غانا در سال 1957 را دنبال کردند.تلاش شده بود که ارزشهای جدید خودشان را در سراسر زیربنای اروپامحوری بیان کنند.بعدها، سازمان ملل کانال سراسری بود که کشورها و فرهنگهای دیگر شروع به پافشاری بر تغییرات در قانون بین المللی کردند.هنگامی که هند گوا را اشغال کرد،بنابراین از قانون پرتغال آزاد شد،کریشنا منون صریحا اصولی را مبنی بر اینکه"استعمار تجاوز دائمی بود" به جهت استعمار مشروعیت زدایی اعلام کرد[[28]](#footnote-29).کشمکش آفریقایی ها در مقابل آپاراید به انقباض اصول حوزه قضائی بومی به کار گرفته شده برای سیاست رسمی آپاراید جنوب آفریقا هدایت شد.سرانجام آپاراید به عنوان مسئله ارتباط برای امنیت بین الملل مورد توجه قرار گرفت،و سازمان ملل شروع به فعالیتهای بیشتر در مبارزه با آن کرد[[29]](#footnote-30).

در دوره جنگ سرد قبلی آیا احتمالا سازمان ملل توسط تمدن غالب(غرب) برخلاف دیگر تمدنها به کار گرفته شد؟آیا این چیزی است که طی جنگ خلیج فارس رخ داد؟آیا سازمان ملل توسط غرب برای مشروعیت قتل عام در دفاع از منافع نفتی شان ربوده شد؟آیا در بوسنی سازمان ملل توسط غرب برای ایجاد اطمینان که کشورهای مسلمان مناسب رشد و ترقی در وسط اروپا وجود نداشت استفاده شد؟

بیش از آنچه که تاکنون در پایان جنگ سرد بود،نظریه های اخیر غربی در ارتباط با روابط بین الملل با امتیازات زیر همچنان درگیر است:

1. یک جهان دوقطبی(مانند آنچه که طی جنگ سرد موجود بوده)؛
2. یک جهان تک قطبی(چیزی که اکنون موجود است،به همراه آمریکا که به تنهایی ابر قدرت است)؛
3. یک جهان چند قطبی (احاطه مراکز جدید مانند پین و سرانجام هند،که از جمعیت چین در 30سال دیگر افزون خواهد شد).

متاسفانه اساسا هیچ کدام از این ابرقدرتها یا قطبها مسلمان نیستند،اگرچه آنها جمعیتهای مسلمان را شامل می شوند.آیا جهان با تنها یک ابر قدرت-یک جهان تک قطبی-در حقیقت دارالحرب در تمامیتش است؟آیا یک روستای جهانی تحت کنترل غیر مسلمانان دارالحرب است؟به عبارت دیگر اگر جهانی شدن یک جهان را بسازد،و اگر آن جهان تحت کنترل مسلمانان نباشد،کل جهان موقتا دارالحرب است؟

**اسلام:قربانی یا پیروز؟**

در حال حاضر جهان مسلمان بازنده اصلی یکجور سازی و تسلط گرایی است.اگرچه،آیا اسلام روزی از یکجور سازی حاصل شده است؟تنها در صورتیکه ارزش مسلمانان به سرمایه گذاری جهانی نفوذ کند.آیا مردم می توانند ارزش های مسلمانی را بدون مذهب مسلمانی تقسیم کنند؟برای مثال بسیاری از مسلمانان آمریکایی تقسیم ارزشهای اجتماعی خودشان را به همراه جمهوری خواهان مانند عبادت در مدرسه،ارزشهای خانوادگی،حواشی ثابت یافتند،درحالیکه مخالف سقط جنین آسان و مجوز هم جنس بازی بودند.یک نفر می تواند با ارزش های اسلام بدون مسلمان بودن موافق باشد.

در واقع بعد از جنگ جهانی اول آمریکا مختصرا با ارزش های اسلام درباره ممنوعیت الکل موافق بود،و یک اصلاح مشروط مخالف آن را گذرانده بود.اما تعداد کافی از آمریکایی ها متقاعد نشده بودند،و بعد از یک دهه(و سرگذشت آلکاپنز)اصلاح مشروط دیگری که بار دیگر به آنها مجوز می داد گذرانده شد.آیا ارزش های مسلمانان در قرن بیست و یکم بار دیگر مورد توجه قرار می گیرد؟

زمانی برای ظهور مسلمانی در دنیای غرب که یکی از اثرات فکری و علمی بود وجود داشت،و هنگامی که چنین کلمات عربی مانند جبر و رمز در واژه نامه علمی غربی وارد شد.

یکی از موارد قابل توجه درباره قرن بیستم این است که فرهنگ غربی دنیای مسلمانی با جمعیت شناسی اسلامی دنیای غربی ترکیب شد.زیربناهایی برای فرهنگ غربی دنیای مسلمانی اساسا در نیمه اول قرن بیستم طرح شد،از این رو زیربنای جمعیت شناسی دنیای غرب در نیمه دوم قرن بیستم طرح شد.

بیش از 3/2 مسلمانا در نیمه اول قرن بیستم به غرب مهاجرت کردند:از کانو به کراچی،از قاهره به کوالالامپور،از داکار به جاکارتا.همچنین در نیمه اول قرن بیستم سقوط امپراطوری عثمانی و تکامل بیشتر اسلامی در سیستم ایالت اروپایی مشاهده شده بود.عواقب بعدی لغو خلافت به عنوان مرکز نمادین قلمرو اسلامی شامل شد.دنیای مسلمانی نسبت به پذیرا تر بودن نفوذ فرهنگ غربی بیشتر متلاشی شد.قدرتهای دیگر تسهیل فرهنگ غربی دنیای مسلمانی جایگزینی مدارس اسلامی و قرآنی با مدارس سبک غربی؛افزایش استفاده از زبان اروپایی در حداکثر کشورهای مسلمان؛و رشد اثر رسانه غربی در اشاعه اخبار،اطلاعات و آگهی؛به صف کردن مجلات،تلویزیون،سینما و ویدئو برای کامپیوترهای جهانی جدید را شامل شد.یکجور سازی واکنشی به قدرتهای تسلط گرایی بود.

در نهایت تکنولوژی همگانی غرب قدرتی را نه تنها با مهارتهای جدید بلکه با ارزشهای جدید به دوش می کشد.نتایج اصلی شکل جهانی شدن جنبه های فرهنگ را دارد.هرچند،این یک برند اروپامحوری و آمریکامحوری جهانی شدن است،به این معنی است که یک جنبه فرهنگ غربی سرانجام توسط فرهنگها و تغییر ظاهری در سطح جهانی پذیرفته شد.یک فرهنگ غیر عادی امپراطوری متولد شد:تسلط پیروز است.

جهانی شدن دو نمونه اروپا محوری فرهنگ جهان ممکن است داستانی از مواردی که ایجاد می شود را بیان کند:تقویم مسیحی غربی خصوصا تقویم گریگوری،دستورالعمل در سراسر جهان برای مردان،که ما قبلا اشاره کردیم.بسیاری از کشورهای آفریقایی و آسیایی تقویم مسیحی غربی را آنگونه که خودشان می خواستند تغییر دادند.آنها روز استقلال شان را طبق تقویم مسیحیت جشن می گیرند و تاریخ شان را براساس سالهای گریگوری،با استفاده از چنین تمایزاتی مانند قبل و بعد از میلاد مسیح[در سال خداوندگار ما] می نویسند.برخی از کشور های مسلمان یکشنبه را به عنوان روز استراحت به جای جمعه میشناسند، و دیگران تمام تاریخ نگاری های اسلامی را طبق تقویم مسیحی دوباره دوره می کنند.

در نیمه ی قرن بیستم، هم مهاجرت مسلمانان به غرب و هم تغییر به اسلام در غرب حضور اسلامی جدید را تحکیم می کند. در اروپا، اکنون بیست میلیون مسلمان وجود دارد، که هشت میلیون آنها افرادی در غرب اروپا هستند. این طرح مسلمانان ترک را که تعداد 63 میلیون هستند محروم می کند. در نتیجه، مساجد جدید از مونیخ تا مارسی وجود دارد.

فرهنگ غربی دنیای مسلمانی بطور متناقض یکی از دلایل جمعیت شناسی اسلامی غرب است. فرهنگ غربی مسلمانان با فرار مغز های مسلمانان حرفه ای و متخصصانی که فریب خورده اند تا از سرزمین های بومی شان برای کار و موسسات تحصیلی به شمال آمریکا و اتحادیه ی اروپا بروند، همکاری می کنند. امپراطوری رسمی قدیمی غرب جمعیت شناسی ضد نفوذ را رها کرد. برخی از مسلمانان واجد شرایط در جهان برای موقعیت های حرفه ای در اروپا و شمال آمریکا جذب شدند. در این حالت است که فرهنگ غربی دنیای مسلمانی در نیمه ی اول قرن بیستم بخشی از عمده سازی برای جمعیت شناسی اسلامی غرب در نیمه ی دوم قرن بیستم بود.

اما تمام مهاجران مسلمان به غرب کاملا واجد شرایط نبودند. همچنین میراث استعمار غرب مهاجرت مسلمانانی که کمتر واجد شرایط بودند از چنین مکان هایی مانند بنگلادش، هند، پاکستان، و الجزایر به بریتانیا و فرانسه که نمونه ی دیگری از پسا استعماری ضد نفوذ جمعیت شناسی است،را تسهیل کرده است. همچنین مناسباتی در نیاز به نیروی کار ارزان وجود دارد، غرب تعمدا مهاجرت مسلمانانی که کمتر واجد شرایط هستند را تشویق می کند ( برای مثال واردات آلمان از کاگران ترکی طی دهه های 1960 و 1970).

به عنوان ظهور دیگر جمعیت شناسی دنیای غربی، اکنون بالغ بر هزار مسجد و مراکز قرآنی تنها در آمریکا، بعلاوه ی انجمن های حرفه ای برای مهندسان مسلمان، دانشمندان اجتماعی، و محصلان وجود دارد. 6 میلیون مسلمان آمریکایی وجود دارد و تعداد مسلمانان بطور موثر از تعداد یهودیان در آمریکا در پایان قرن بیستم در حال افزایشاست، و اسلام در حال حاضر سریع ترین رشد مذهبی را در شمال آمریکا دارد [[30]](#footnote-31). در فرانسه اسلام دومین رقم طرفداران، و کاتولیک بیشترین پیروان را دارد. در بریتانیا برخی مسلمانان از پارلمان اسلامی خودشان آزمایش می شوند، در حالی که دیگران اعانه ی دولت را برای مدارس مسلمان درخواست می کنند. آلمان در می یابد که واردات قبلی اش از کارگران ترکی دعوتی به موذن و مناره برای گماردن خودشان در شهر های آلمانی بود. استرالیا به این نکته رسیده است که این همسایگی اندونزی است، کشوری که بیشترین جمعیت مسلمان در جهان را دارد. استرالیا همچنین حضور اسلامی در پیکره ی سیاست خودش را کشف کرد.

یهودیت،مسیحیت،و اسلام سه آیین ابراهیمی تاریخ جهان هستند.امروزه،غرب اغلب به عنوان تمدن یهودی-مسیحی توصیف شد،بنابراین غرب به دو مورد از آن مذاهب ابراهیمی اتصال دارد.اما اگر روزی مسلمانان از تعداد یهودیان در کشورهایی مانند آمریکا افزون شوند،شاید روزی اسلام جایگزین یهودیت به عنوان دومین مذهب ابراهیمی مهم بعد از مسیحیت شود.از نظر عددی اسلام سرانجام ممکن است تحت شعاع یهودیت در اکثریت غرب ،بدون توجه به سیاستهای مهاجرت آینده قرار بگیرد.

بنابراین پرسشی در این باره بوجود می آید که اسلام چگونه در کلاس های درسی،کتب درسی به عنوان بخش کاملی از جامعه غربی مورد عمل قرار می گیرد.در دنیای مسلمانی،تحصیلات به طور همزمان غربی شد.اکنون آیا تغییر جهت تحصیلات در غرب تاحدی اسلامی شده است؟مصاحبه داستان اروپایی-اسلامی برای آشکار شدن ادامه دارد.آیا این آستانه جدید برای جهانی شدن،یا آیا ظهور دیگری از موقعیت پسا استعماری در تاریخ جهان است؟در حقیقت ممکن است هر دو مورد باشد.

عدم نفوذ اسلام و مسلمانان به تمدن غرب پایان تسلط گرایی در زمینه خودش نخواهد بود.اگرچه یک حضور اسلامی موثر در جهان غربی ممکن است آغازی برای وارونه کردن چرخه های یکجور سازی فرهنگی باشد.ارزشها شروع به ترکیب شدن خواهند کرد،آزمایشات کامل می شوند،و چشم اندازها به عنوان حساب جامعه و فاضله اخلاقی جدید که از صحنه جهان استنتاج می شود،با هم آمیخته شود.

توضیح مترجم: تمام یادداشتهای پایانی در جای خود در پاورقی قرار گرفته و ترجمه شده است

**به زودی منتشر خواهد شد**

**مطالعات گوناگون:یک تحقیق نقد**

**خاستگاه ها از نظر تاریخی و زبان شناسی**

**نوشته شده توسط احمد علی الامام**

**انتشار یافته بوسیله موسسه بین المللی اندیشه اسلامی،آمریکا(1998)**

این کتاب تحقیقی از طبیعت هفت احراف[[31]](#footnote-32) در قرآن،و علتی برای اختلاف در مطالعات میان قرآن قراع[[32]](#footnote-33)است که آشکار شده بود.موضوع این کتاب مفهوم چندگانه دارد و به زمینه های گوناگون مورد علاقه مربوط است.این مورد یک جایگاه مشخص را بویژه در زمینه مطالعات قرآنی،و در کل مطالعات اسلامی اشغال کرد.

اهمیت اصول کار کنونی از تلاشش برای شناختن مسائل و گشایش دوباره افقی برای بررسی شان در وضوح تحقیق جدید است؛به موجب آن برای روشن کردن شک و تردیدهایی که ایجاد شده است.این تحقیق همچنین اهمیتش را درباره حقیقتی مطرح می کند که نویسنده متخصص مطالعات قرآنی محقق عرب مسلمان است.بسیاری مطالعات در این موضوع به زبان انگلیسی اگرچه کمیاب است اما وجود دارد،که به دلیل کمبود مرجع دانش اسلامی است.امید است که این کتاب اهمیت بی اعتباری ادبیات کنونی اسلام به زبان انگلیسی را پر کند.

1. North Atlantic Treaty Organization(NATO) [↑](#footnote-ref-2)
2. International Monetary Fund(IMF) [↑](#footnote-ref-3)
3. European Union(EU) [↑](#footnote-ref-4)
4. Dar Al Harb [↑](#footnote-ref-5)
5. Dar Al Islam [↑](#footnote-ref-6)
6. Dar Al Sulh [↑](#footnote-ref-7)
7. 7 مباحثه ما اینجا براساس مصاحبه آقای مجید خدوری برای ترجمه وی از کتاب قانون اسلامی ملتها است:سی یار شیبانی(بالتیمور،رئیس مدیریت:مطبوعات جانز هاپکینز،در سال1966)،13-11 ،اگرچه وی به تاکیید تقسیم دوگانه بین درالاسلام و دارالحرب گرایش دارد. [↑](#footnote-ref-8)
8. Ahl al kitab [↑](#footnote-ref-9)
9. ایبید،12-11. [↑](#footnote-ref-10)
10. 10 هابس این شرایط را در این لویتان اصلی اش توصیف می کند.برای تدوین اخیر،به لویتان ادوین کرلی:به همراه اختلافات انتخاب شده از تدوین لاتین سال1668/توماس هابس(ایندیاناپلیس،هکت در سال 1994) رجوع کنید. [↑](#footnote-ref-11)
11. خدوری،قانون اسلامی ملتها،13. [↑](#footnote-ref-12)
12. Dar Al Ahd [↑](#footnote-ref-13)
13. ایبید 13-12.اگرچه،طبقه بندی فواید را در این تحلیل ثابت می کند. [↑](#footnote-ref-14)
14. Dar Al Qharb [↑](#footnote-ref-15)
15. 15 اگرچه محققان روابط بین المللی روی رابطه آمریکایی ها با شوروی تمرکز کرده بودند،برخی به غرب بویژه آمریکا اشاره کردند،که اغلب مشکلات سردرگمی روابط بین المللی در جهان سوم داشت.به کتاب سیاست خارجی "تعلیق جهان سوم آمریکا" دبلیو. ماینز شماره71(تابستان 1988):40-117،و کتاب امنیت بین المللی"چرا مسائل جهان سوم"،شماره 14:1(تابستان 1989)80-50 مراجعه کنید. [↑](#footnote-ref-16)
16. 16 قانون بین المللی ژورنال آمریکایی برنز اچ وستون"قطعنامه678 انجمن امنیت و تصمیم گیری خلیج فارس:حقانیت احتیاط" شماره 85،(جولای1991)35-516 مراجعه کنید. [↑](#footnote-ref-17)
17. 17 به جهت تحلیل اخیر آمریکایی ها بر مصوبات ایستادند،کتاب امور خارجی اریک رولئا "سرکشی سیاست آمریکا به سمت عراق" شماره 74 (ژانویه/فوریه 1995):72-59 مراجعه کنید. [↑](#footnote-ref-18)
18. 18 در واقع طبق یک مطالعه میزان مرگ و میر کودکان از پایان جنگ در سال1991 با کشتن تقریبا 576000 کودک عراقی پنج برابر افزایش

یافت.روزنامه نیویورک تامز(1دسامبر 1995)،بخش الف،صفحه9 مراجعه کنید. [↑](#footnote-ref-19)
19. 19 برای گزارشات انتقادی درباره مصوبات،به تحلیل توسعه جهان "قحطی و فقر در عراق،سال1991" هاریس گازدار و جین درز شماره20 (جولای1992):45-921 و سیاستمدار و جامعه جدید "کشتن،کشتن است-نه مهربانی"اریک هاسکینز شماره5 (17ژانویه 1992):13-12 مراجعه کنید.با این وجود ناآرامی داخلی و پناهندگی های برجسته،صدام حسین از مصوبات اشاره شده ضربه نخورد،برای مثال،سیاستمدار و جامعه جدید"مصوباتی که به صدام ضربه نزد" استیو پلات شماره 7(4 نوامبر 1994):10 مراجعه کنید. [↑](#footnote-ref-20)
20. 20 مشروب بیوجلسز فرانسوی،طبق یک گزارش در روزنامه نیویورک تایمز بسیاری از فروشگاهها را به عنوان یک نتیجه از تحریم تولیدات فرانسوی برای اعتراض آزمایشات هسته ای فرانسه در اقیانوس آرام از دست داد.تلفات فروشگاه ها نه تنها شامل کشورهای ژاپن،استرالیا،و نیوزلند بود بلکه هلند،اسکاندیناوی و آلمان را شامل می شود.به روزنامه نیویورک تایمز(17نوامبر 1995)،بخش الف،صفحه10 مراجعه کنید. [↑](#footnote-ref-21)
21. این مردان ترایجیو لای،داگ همرجلد،یو تانت،کرت والدیم،جاور پرز د کوئلار،و بوتروس بوتروس-گالی هستند. [↑](#footnote-ref-22)
22. سازمان ملل،کتاب"چگونه و چه کاری می کند" نوشته اوان لائورد (نیویورک:مطبوعات مارتین سال 1994)،25-102 مراجعه کنید. [↑](#footnote-ref-23)
23. 23امور خارجی اثر"انتخاب مدیر عامل شرکت جهان" بریان آرکوارت شماره 74:3(می و ژوئن 1995):26-21.بسیاری از بودایی های چین همزمان کنفوسیوس هستند. [↑](#footnote-ref-24)
24. 24توسعه جامعه بین المللی"جامعه بین المللی اروپا و توسعه آن"نوشته شده توسط آدام واتسون و تدوین شده توسط هدلی بول و آدام واتسون(مطبوعات کلارندون:آکسفورد سال 1985)،32-13؛و "توسعه جامعه بین المللی:نتایجی برای قانون ملتها" یان برولین در ایبید 69- 357مراجعه کنید. [↑](#footnote-ref-25)
25. 25 توسعه جامعه بین المللی"جامعه بین المللی اروپا و توسعه آن"نوشته شده توسط آدام واتسون و تدوین شده توسط هدلی بول و آدام واتسون،32-13؛و "توسعه جامعه بین المللی:نتایجی برای قانون ملتها" یان برولین در ایبید 69- 357مراجعه کنید. [↑](#footnote-ref-26)
26. 26 همکاری کارل مارکس در موضوع استعمار:مقاله هایی از تریبون نیویورک و نوشته های دیگر توسط کارل مارکس و فردریک انگلز(نیویورک:ناشران بین المللی سال 1972)،87-81. [↑](#footnote-ref-27)
27. کارهای جمع آوری شده کارل مارکس و فردریک انگلز (نیویورک:ناشران بین المللی سال 1976)،471:6 مراجعه کنید. [↑](#footnote-ref-28)
28. 28برای توصیف دیدگاه منون درباره امور گوا و واکنش های غربی به فعالیت هندی ها،هند و دنیای سیاست،مایکل بریچر مراجعه کنید:دیدگاه کریشما منون درباره جهان(نیویورک،پریجر،سال1968)،36-121. [↑](#footnote-ref-29)
29. 29 راهنمایی به نقش سازمان ملل در مبارزه آپاراید ممکن است در "سازمان ملل و آپاراید:یک تاریخ شناسی"،تاریخچه سازمان مللل،شماره 31(سپتامبر سال 1994):14-9؛نیول ام.استولتز،"تکامل رژیم ضدآپراید سازمان ملل،حقوق بشر سه ماهه"شماره13 (فوریه1991):23-1؛و ازدمیر ازگور،آپارتاید،سازمان ملل و تغییر صلح آمیز در جنوب آفریقا(دابس فری،نیویورک:ناشران انتقادی،سال 1982) یافت شده باشد. [↑](#footnote-ref-30)
30. "رشد متوسط اسلام در آمریکا"،ظاهر مسامانان یک موج از حملات است،"روزنامه نیویورک تامز(28آگوست 1995). [↑](#footnote-ref-31)
31. *ahruf* [↑](#footnote-ref-32)
32. *Qurra* [↑](#footnote-ref-33)